

نقل مطالب و تصاویر از

صفحه سنگی

با ذکر ماخذ بلا مانع است.

ای نام تو بهترین سرآغاز

رسانه ای به نام صفحه سنگی

شرایط اقتصادی و محدودیت های تکنولوژیک اجازه نداد تا در اواخر دوره قاجاریه (۱۳۰۰-۱۲۸۴ش)، صفحه های سنگی حضوری فراگیر و تاثیر اجتماعی گسترده ای بجای گذارند و کالایی اشرافی مانندند که معدودی از علاقمندان موسیقی، امکان بهره مند شدن از آنها را می یافتند. این امر در زمانی اتفاق می افتد که به دلیل فضای سیاسی مشروطیت، در کنار رسانه ای چون مطبوعات، تصانیف نیز ماهیتی رسانه ای یافته و پیام سیاسی خود را منتقل و منتشر می نمایند و چهره هایی چون عارف، عمده فعالیت رسانه ای خود را از این طریق انجام داده و شخصیت هایی چون ملک الشعراى بهار نیز اندکی به این سو میل می نمایند. هنرمندان برجسته نیز اساسا هدف باقی گذاشتن یادگاری از خویش و یا حفظ گوشه ها و نغمه های در حال فراموشی موسیقی ایرانی را تعقیب می کردند. در قاصه سالهای ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۹ شمسی، استقبال عمومی از دو پدیده گرامافون و صفحه (نگاه کنید به: نظامنامه مقررات ضبط صوت در صفحه های گرامافون، صفحه سنگی شماره ۲) و شیوع آن تا مکانهای عمومی شهرهای مذهبی (نگاه کنید به: اسنادی از موسیقی، تئاتر و سینما در ایران، جلد اول، ص ۳۸، ISBN 964-422-278-4) به حدی توسعه می یابد که می توان این دوره را عصر تولد و رشد اولین رسانه اجتماعی شنیداری دانست. از سوی دیگر تعدد کمپانیهای فعال در امر ضبط صفحه در ایران و تنوع هنرمندانی که در ضبط صفحه همکاری کرده اند و گستردگی عناوین آثار ضبط شده و تکثیر متعدد و عرضه و فروش فراوان صفحه ها، عصر طلایی صفحه را رقم می زند.

ویژگی رسانه ای صفحه های گرامافون، بکارگیری هدایت شده آن را برای فرهنگ سازی را در مرکز توجه قرار داد. در این دوره، کنترل روزافزون دولت و سوق دادن تدریجی آثار ضبط شده به چهارچوب اهداف فرهنگی و سیاسی رژیم جدید اتفاق می افتد. چهره های فرهنگی عصر نیز متناسب با حرکت در چهارچوبهای تعریف شده می توانستند اندیشه های خود را از طریق این رسانه ارائه نمایند.

آزادانه ترین ضبط آثار موسیقی در سال ۱۳۰۵ شمسی اتفاق می افتد که بیشترین آثار عارف قزوینی و حتی تصنیف "ای دست حق پشت و پناهت باز آ" در حمایت از سید ضیا الدین و اثری از میرزاده عشقی در بین آنها مشاهده می گردد. در سال ۱۳۰۶ شمسی، محمدعلی امیرجاهد که سه سال بعد سالنامه پارس متعلق به وی سالنامه رسمی دولت می شود، موثرترین چهره در ضبط صفحات گرامافون می باشد که آثار مهمی را بر روی صفحه های پولیفون به یادگار می گذارد.

ملک الشعراى بهار که تصانیفی از وی در سالهای قبل ضبط شده، نقش فعالی در ضبط صفحه های سال ۱۳۰۷ شمسی و در همکاری با کمپانی کلمبیا برعهده دارد و ۱۸ تصنیف از وی منجمله سرود ملی بر ۳۷ روی صفحه با صدای جمال صفوی، مهرآفاق خانم، ناهید نیکبخت، مه لقا و بهجت خانم، مادام سیرانوش و خواهران و حشمت ارائه می شود و پس از آن ناپدید می گردد. از **مستشار اعظم تقی دانش** نیز در مجموعه صفحه های کلمبیای ۱۳۰۷ شمسی دو تصنیف و سرود فتح خوزستان ضبط و منتشر می شود. از چهره های ادبی دیگری چون **وحید دستگردی، پژمان بختیاری و نظام وفا** نیز که تا این هنگام آثار محدودی ضبط شده، از این پس آثاری بیشتر که به ویژه برای تصنیف ساخته شده اند، ضبط گشته و به یادگار می مانند.

با گذشت زمان و بروز نشانه های ثبات نسبی سیاسی، از سال ۱۳۰۸ شمسی به بعد، دیگر نشانی از ضبط مجدد ساخته های آزادخواهانه عارف و میرزاده عشقی و حتی صفحه هایی مثل مرغ سحر با شعر ملک الشعراى بهار و آهنگ مرتضی خان نی داود که در سال ۱۳۰۶ با صدای ملوک ضرابی و در سال ۱۳۰۷ با صدای جمال صفوی ضبط می شود، به چشم نمی خورد. در مقابل مسایل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مورد نظر حکومت و ترویج موسیقی عامه پسند مورد توجه و حمایت بیشتر سیستمی قرار می گیرد. انواع و اقسام مارش و سرود حماسی ساخته می شود و برای زمینه سازی رفع حجاب و سایر جنبه های غربگرایی، نقش رسانه ای صفحه مورد توجه و استفاده جدی قرار می گیرد.

تعطیل شدن ضبط صفحه در تهران در سال ۱۳۱۲ شمسی (۱۹۳۳ میلادی) که بیش از هر چیز ناشی از سیاستهای کمپانیهای ادغام شده گرامافون و کلمبیا بود، اولین ضربه را به توسعه نقش رسانه ای صفحه سنگی وارد کرد و سه سفر خارجی هنرمندان ایرانی در سالهای ۱۳۱۴، ۱۳۱۶ و ۱۳۱۸ شمسی نیز تحولی در این روند ایجاد نکرد. ماحصل سفرهای مذکور مشابه آثار ضبط شده در همین دوره در تهران بود و در کنار صفحه هایی با ارزش هتری و ماندگاری موسیقایی، صفحه هایی اقتضایی و رسانه ای نیز مشاهده می شوند که در جا و مجال دیگر، به دیسکوگرافی این آثار خواهیم پرداخت.

استمرار بحران در اقتصاد جهانی صفحه و پیوستن آن به آغاز جنگ جهانی دوم و مهمتر از آن، افتتاح رادیو تهران در اردیبهشت ۱۳۱۹ شمسی و فعال شدن چنین رسانه فراگیری، نقش و کاربرد رسانه ای صفحه را در ایران در حاشیه قرار داد. رقیب تازه نفس و توانمند دیگری به نام سینمای ناطق نیز که علاوه بر ویژگی شنیداری دارای جذابیت و مزیت دیداری است نقش رسانه ای صفحه را حتی پس از تجدید فعالیت کمپانیهای صفحه پرکنی در تهران در سال ۱۳۲۶ شمسی تحدید می کند تا آنجا که در دهه ۳۰ بخش اعظم صفحه های ۷۸ دور فارسی در تسخیر ترانه های فیلمهای فارسی قرار می گیرد و اصلی ترین نقش رسانه ای آن به ترویج موسیقی عامه پسند محدود می ماند.

امیر منصور